



عکس: مهر داد خامسی

گفت و گو با دانیال کوشکی، نوازنده گروه «خردل»، درباره آلبوم «سکوت واژگون»

صدای خاموش موسیقی فانک

کاتلم کلانتری

چیزی که تریو «خردل» را به جریان موسیقی راک مشهد متصل می‌کند سابقه ده‌پانزده‌ساله‌اش در موسیقی راک و متال است، اما آنچه که این گروه را از دیگران متمایز می‌کند تنوع ریتم‌ها و گوناگونی رنگ‌های موسیقایی قطعاً تشان و حرکت در محدوده پیوندی موسیقی فانک با سبک‌هایی مثل جز، بلوز و آر. اند. بی است، یعنی تجربه‌ای ریتمیک‌تر، سرخوشانه‌تر و پر ضرب‌تر. آلبوم بی‌کلام «سکوت واژگون» را باید محصول یک همکاری تجربه‌محور بدانیم از روز به دشتی، دانیال کوشکی و سعید شریعت که نفوذ احساسات آن‌ها در سه‌ساز گیتار الکتریک، باس و درام بیش از همه در ریتم نمود یافته، به قطعات آن‌ها تشخیص داده و در نتیجه باعث ایجاد حسی خوش و شورری ریتمیک در شنونده می‌شود. آن‌ها اولین آلبوم رسمی‌شان را تجربه‌ای می‌دانند در هر روز دن فانک راک و جز فانک به زندگی شهری، تفکر موسیقایی آن‌ها از نظریه «گرداب سکوت» خانم الیزابت نوتل گرفته شده و در ۱۰ قطعه به شکل موسیقی بی‌کلام رنگ گرفته است. اگر آن چنان با موسیقی و فرهنگ فانک آشنایی ندارد، صحبت‌های دانیال کوشکی، بیسیست و تنظیم‌کننده گروه مشهدی «خردل»، درباره تجربه‌شان در یک آلبوم بی‌کلام فانک راک می‌تواند اولین قدم برای شنیدن «سکوت واژگون» و بعد دنبال کردن موسیقی فانکی باشد.

از شکل‌گیری «خردل» بگوئید: انگار هسته اصلی گروه را شما و روزبه دشتی تشکیل دادید. و اینکه از همان ابتدا قصد داشتید تریو (گروه سه‌نفره) کار کنید؟
من و روزبه تابستان ۹۵ بود که با هم آشنا شدیم. ابتدای آشنایی مان کمی

گفته‌اید. منظورتان از اقلیتی که در مارپیچ سکوت گرفتار می‌شوند و به شکلی معکوس همراه با صدای اکثریت هویت خود را فراموش می‌کنند چیست؟

موزیک ما اینسترومنتال و انتزاعی بود و «سکوت واژگون» هم ترکیبی انتزاعی است. از طرفی، این اسم در ذهن خودمان چند معنی و مفهوم را تداعی می‌کرد. درباره خود قطعه «سکوت واژگون» هم باید بگویم که تقریباً در اواسط این قطعه و بعد از ملودی پیانو سکوتی ایجاد می‌شود.

♦ ♦ ♦

در واقع همان ضدضریبی که در موسیقی فانک وجود دارد. بله؛ یکی از مفاهیم همین است. در موسیقی فانک بر اساس «گروو» (Groove) و ریتم‌های فانکی، ضدضرب زیاد استفاده می‌شود. درباره آن اقلیت و اکثریت هم باید بگویم که شاید ما می‌توانستیم کارهایمان را با کلام بسازیم ولی اینسترومنتال ساختیم؛ و این تضاد سکوت و صدا برایمان اهمیت داشت. همچنین ما نظریه‌ای خواننده بودیم به اسم «گرداب سکوت» از خانم الیزابت نوتل نومان. این نظریه می‌گوید که رسانه‌ها یا به‌طور کلی یک جامعه مفاهیمی را به ما ارائه می‌دهند که حتی اگر این مفاهیم، اشتباه باشند، اقلیت از ترس اینکه آن حرف‌ها را بزنند روی آن سکوت می‌کنند و آن را در خودشان نگه می‌دارند و این قدر این سکوت ادامه پیدا می‌کند که در فکر مردم حل می‌شود.

♦ ♦ ♦

برداشت دیگر هم می‌تواند این باشد که موسیقی در جامعه ما و به خصوص در مشهد اقلیتی است که صدایش در همان گرداب گرفتار می‌شود. از طرف دیگر در همین اقلیت، تریو «خردل» اقلیتی است در راک مشهد که سبک خاص فانک راک اینسترومنتال را انتخاب کرده، سبکی که ویژگی بارزش، شور و حال و ریتم و طراوت و تحرک است.

عقیده‌مان این است که موسیقی در مشهد و در ایران در مرحله تجربه است. موزیسین‌ها و نوازنده‌ها با ذهنیت‌های متفاوت باید دور هم جمع شوند تا موسیقی جدیدتری را ارائه دهند. بیشتر موسیقی‌های فانکی که ما داریم می‌شنویم موسیقی با کلام است. ما اگر می‌خواستیم شعر فانکی هم داشته باشیم کار خیلی سخت می‌شد.

♦ ♦ ♦

اصلاً آن قدرها هم شعر فانکی با فرهنگ ما هم خوانی ندارد. بله. البته ما شعر فارسی هم امتحان کردیم. ابتدای کار با روزبه می‌خواستیم با دو سه خواننده کار کنیم، اما

نوازندگی کردیم و مقداری هم دیگر را شناختیم. شاید از ابتدا قصد نداشتیم گروه تریو تشکیل بدهیم و یا اصلاً نمی‌دانستیم که می‌خواهیم در سبک فانک کار کنیم. چیزی که در ذهنمان بود این بود که بتوانیم در سبک راک که هم من و هم روزبه کار کرده بودیم، فعالیت کنیم و بعد عناصر موسیقی «جز» هم در کارهایمان بیاوریم. سال اول آشنایی مان شروع کردیم آهنگ ساختن. دوسه تا قطعه هم آهنگ‌سازی کردیم. کم‌کم یک استودیو برای خودمان درست کردیم و سعی مان این بود که موزیک‌ها را طوری بسازیم که شکل جامعی داشته باشند تا در قالب یک آلبوم بتوانیم ارائه‌شان بدهیم. زمستان ۹۶ یا بهار ۹۷ که من و روزبه اولین اجرایمان را رفتیم، تصمیم گرفتیم جدی‌تر کار کنیم. ابتدا همان قطعاتی را که داشتیم دونفره و بدون درام اجرا می‌کردیم. بیشتر می‌خواستیم ببینیم از مردم چه بازخوردی می‌گیریم. چون درام نداشتیم، درام را می‌نوشتیم و بعد همراهش من و روزبه گیتار و باس می‌زدیم. بالأخره درام برای یک گروه تریو لازم است و بعد از هفت‌هشت ماه سعید شریعت به ما اضافه شد و تبدیل شدیم به گروه تریو.

♦ ♦ ♦

سعید شریعت قبلاً در گروه «آزوما» درامز می‌زد؛ تو و روزبه هم سابقه فعالیت در گروه‌های دیگر را داشتید؟

من خیلی وقت پیش در سبک متال و در گروه «نقطه مرگ» (Point of Death) گیتار الکتریک می‌زدم. بعد در گروه «گما» فعالیت داشتم ولی هیچ‌کدام از این فعالیت‌ها به شکلی نبود که بخواهیم برایش مجوز بگیریم و آن‌ها را منتشر کنیم. روزبه هم در گروه «لنز» فعالیت داشت و با پویان قنبدی قطعه کار کرده بودند. همانطور که گفتی سعید هم در گروه «آزوما» و گروه «آرسامس» درامز بود. اما سابقه هر سه ما سابقه‌ای ده‌پانزده‌ساله است.

♦ ♦ ♦

اسم گروه را چطور انتخاب کردید؟

من و روزبه چندتا اسم انتخاب کرده بودیم و چون اسم استودیویی که ساخته بودیم هم «خردل» بود، این اسم را روی گروه هم گذاشتیم. خردل هم در ذهن خیلی خوب می‌ماند و هم رنگی را تداعی می‌کرد که ما آن رنگ را دوست داشتیم. علاوه بر این‌ها «خردل»، رنگ‌بندی سازهای موسیقی فانکی را هم تداعی می‌کرد.

♦ ♦ ♦

چرا اسم اولین آلبومتان را «سکوت واژگون» گذاشتید؟ در توضیح آلبوم هم که انگار بیانیه شماست از اقلیت و اکثریت